

اعتبارسنجی روایات بطون قرآن بر پایه دیدگاه آیت الله معرفت

تاریخ دریافت: ۹۶۷/۵/۱ - تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۱۵

محمدعلی تجری^۱

احسان الله درویشی^۲

چکیده

قرآن پژوه فقید، آیت الله معرفت پس از سال ها تلاش علمی و خدمت به قرآن کریم، دیدگاه ویژه ای در مسئله بطن، برگزیده است؛ این نوشتار در تلاش است اعتبارسنجی روایات بطون قرآنی را بر پایه دیدگاه آیت الله معرفت بررسی نماید؛ از آن جا که بخشی از روایات تفسیری به بیان معانی بطنی آیات قرآن کریم پرداخته اند، اعتبارسنجی این روایات ضروری می نماید؛ بدیهی است مبانی مفسر در چپستی و امکان معانی بطنی قرآن کریم و نوع ارتباط آن ها با معانی ظاهری آیات و ... در شیوه اعتبارسنجی روایات بطون تاثیرگذار خواهد بود؛ از همین رو ابتدا مسئله بطن از دیدگاه علامه معرفت، تبیین و سپس اعتبارسنجی روایات بیان گر معنای بطنی بر پایه دیدگاه ایشان تبیین و نمونه های آن تحلیل می گردد؛ دیدگاه علامه معرفت درباره بطن از سوی برخی محققان معاصر نقد و تحلیل شده است؛ اما بازتاب این دیدگاه در اعتبارسنجی روایات بطون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: آیت الله معرفت، تأویل، روایات بطون، روایات تفسیری، اعتبارسنجی روایات، التفسیر الاثری الجامع.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه قم؛ (ma.tajari@yahoo.com).

۲. پژوهشگر و مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث، نویسنده مسئول؛ (Darvishi313@chmail.ir).

چیستی و امکان معانی بطنی قرآن کریم و نوع ارتباط آن با معنای ظاهری آیات، همواره از مباحث تفسیری چالش برانگیز بوده است؛ از آن جاکه بخشی از روایات به بیان معانی بطنی آیات قرآن کریم پرداخته‌اند، اعتبارسنجی این روایات ضروری می‌نماید. بدیهی است مبانی مفسر در تعریف بطن، نوع رابطه آن با ظاهر و ... در شیوه اعتبارسنجی روایات بطون، تاثیرگذار خواهد بود. قرآن پژوه فقید، آیت‌الله معرفت پس از سال‌ها تلاش علمی و خدمت به قرآن کریم، دیدگاه ویژه‌ای در مسئله بطن، برگزیده است؛ این نوشتار می‌کوشد اعتبارسنجی روایات بطون را بر پایه دیدگاه آیت‌الله معرفت بررسی نماید؛ دیدگاه علامه معرفت درباره بطن از سوی برخی محققان معاصر نقد و تحلیل شده است؛^۱ اما نگاه‌های پیشین از منظر علوم قرآنی به مسئله بطن نگرسته‌اند و بازتاب این دیدگاه در اعتبارسنجی روایات بطون و ابعاد آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از همین رو ابتدا مسئله بطن از دیدگاه علامه معرفت تبیین و در ادامه، اعتبارسنجی روایات بطون، بر پایه دیدگاه علامه معرفت ترسیم و نمونه‌های آن تحلیل می‌گردد.

۱. مسأله بطن از دیدگاه آیت‌الله معرفت

آیت‌الله معرفت معتقدند: مفسران در «تأویل» دو اصطلاح دارند: تأویل در اصطلاح نخست به باب متشابهات اختصاص دارد و به معنای تفسیر متشابهات است به‌گونه‌ای که عقل و شرع آن را بپذیرند؛ در اصطلاح دیگر، تأویل به معنای آشکارساختن مفهوم عام و فراگیری است که در پس پرده ظاهر مخفی شده است.^۲

علامه معرفت اصطلاح دوم تأویل را همان بطن می‌داند^۳ و در چرایی نام‌گذاری

۱. از میان آثار نگاشته شده در این باره می‌توان به این موارد اشاره نمود: «بررسی نظریه‌ی بطون از نگاه آیت‌الله معرفت»، ابراهیم کلانتری، معرفت قرآنی یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت رحمته‌الله علیه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول؛ «بطن و تأویل قرآن»، علوی مهر حسین و دیگران، کتاب نقد، ش ۳۵، ۱۳۸۴ ش؛ «طرح و بررسی بطن از دیدگاه آیت‌الله معرفت»، سعیده غروی، مجله بینات، سال هیجدهم، ش ۷۱.

۲. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۰.

۳. این دیدگاه آیت‌الله معرفت (یکسانی بطن و تأویل) را نباید از ذهن دور نگاه داشت؛ وی بطن را همان تأویل می‌داند و به حدیث «ظهور تنزیله و بطنه تأویله» نیز استناد می‌جوید؛ ر.ک:

این بخش از تأویل به بطن، پوشیدگی معنای عام به واسطه خصوصیات تنزیلی آیه را یادآوری می‌کند، هر آیه خصوصیات تنزیلی ویژه‌ای مانند خصوصیات زمانی، مکانی و مناسبتی نزول آیه دارد که آیه را دربرگرفته است؛ حال معنای بطنی تنها در صورتی رخ نشان خواهد داد که این خصوصیات نادیده گرفته شود و به اصطلاح الغاء خصوصیت گردد؛ از این رو معنای تأویلی همواره در پرده‌ای از خصوصیات تنزیلی پوشیده و مبطون است و تنها کسانی به بطن آیه راه خواهند یافت که اهل تعمق و درون‌نگری باشند؛^۱ در حقیقت علامه معرفت بطن را از دو منظر معانموده است: معنای تأویلی آیه برای کسی که نگاه خویش را تنها به ویژگی‌های تنزیلی دوخته است، بطن و پوشیده است و برای کسی که اهل درون‌نگری و ژرف‌اندیشی است، راه یابی به درون و بطن آیه است؛ آیت الله معرفت دیدگاه خود را در آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲ تبیین نموده است؛ به اعتقاد وی معنای تنزیلی آیه دربارهٔ مشرکان است؛ آنان تلاش داشتند با طرح این پرسش که آیا فرستاده خدا می‌تواند از جنس بشر باشد؟ جایگاه پیامبر را زیر سؤال ببرند؛ بنابراین معنای ظاهری و تنزیلی آیه مربوط به مشرکان و دفع اشکال آنان است؛ از سوی دیگر آیه بر اساس فحوای عام خود به قاعده «ضرورت مراجعه جاهل به عالم» دلالت دارد؛ یعنی هر کس آگاهی از مسئله‌ای در معارف و علوم ندارد، باید به دانشمندان آن مسئله مراجعه نماید.^۳

آیت الله معرفت معتقد است، اگر به ظاهر و تنزیل آیات بسنده شود، قرآن کتاب تاریخ خواهد شد؛ زیرا در بسیاری از آیات قرآن -مانند آیه بالا- خطاب به شخص وجود دارد و مخاطبان آیات افراد خاصی بوده‌اند و در صورت اکتفا به ظاهر، آیات تنها گزارش از حادثه‌ای در گذشته می‌گردند؛^۴ علامه معرفت در تحلیل روایات بطن، یک نکته را برجسته می‌سازد؛ اگر بنا بود بطن قرآن را عدهٔ خاصی بدانند، پیامبر این [مسئله] را به صورت عمومی مطرح نمی‌کرد؛ پس اینکه نبی اسلام، بطن قرآن

«تأویل به روایت معرفت»، خردنامه، ش ۳۲، ص ۲۰؛ از این رو مراد از واژه تأویل و معنای تأویلی در ادامه نوشتار همان بطن و معنای بطنی است؛ این نکته در گونه‌شناسی روایات قرآنی و تفسیری و نیز اعتبارسنجی آن‌ها تاثیرگذار خواهد بود.

۱. رک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۰؛ «بطن و تأویل قرآن»، ص ۲۱۲، کتاب نقد، ش ۳۵، ۱۳۸۴ ش.

۲. نحل، آیه ۴۳.

۳. رک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۱.

۴. رک: «تأویل به روایت معرفت»، ص ۲۱، خردنامه، ش ۳۲، ۱۳۸۸ ش.

را مکرر در ملاء عام و برای همه مسلمانان مطرح کردند، مخاطبش همه انسان‌ها و همه کسانی هستند که به قرآن علاقه‌مندند؛^۱ به عقیده آیت‌الله معرفت راهیابی به بطن قرآن برای اندیشمندان جهان اسلام ممکن است؛ در واقع مسئله بطن تاکید بردرون‌نگری و تعمق و تبیین آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۲ است.^۳ نتیجه آنکه بطن در نگاه آیت‌الله معرفت، ضامن جاودانگی قرآن است و اگر قرآن سطحی بود مربوط به گذشته می‌شد.^۴

تابه اینجا روشن شد که آیت‌الله معرفت دستیابی به بطن را برای غیرمعصومان نیز ممکن می‌داند؛ حال پرسش اساسی، رابطه ظهر و بطن یا راهکار و ضابطه دستیابی به بطن کدام است؟ آیت‌الله معرفت پس از سال‌ها اندیشیدن به مسئله تأویل و بطن، راهکار ویژه‌ای برای قانونمندساختن بطن پیشنهاد داده‌اند.

آیت‌الله معرفت رابطه میان ظهر و بطن را از نوع عام و خاص می‌داند؛ وی معنای ظاهری آیه را خاص و معنای باطنی را عام دانسته است؛ همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، علامه معرفت معنای باطنی را از راه الغاء خصوصیات آیه به دست می‌آورد؛ از این رو همواره معنای تنزیلی آیه همراه با خصوصیات است که موجب خاص بودن آن می‌گردد و در مقابل معنای تأویلی و باطنی عام است؛ آیت‌الله معرفت معنای باطنی را مدلول التزامی آیه برمی‌شمارد؛ هر چند ممکن است ملازمه در آن از نوع بیّن نباشد؛^۵ علامه معرفت در الغاء خصوصیات آیه از برهان «سبر و تقسیم» بهره می‌گیرد؛ در این شیوه تمام احتمالات تأثیرگذار در برقراری رابطه میان موضوع و حکم، فهرست می‌شود؛ سپس برای نفی هر یک از احتمالات دلیل ارائه می‌شود تا در پایان یک احتمال باقی بماند؛ احتمال نهایی به عنوان دلیل ثبوت حکم برای موضوع برگزیده می‌شود.^۶ در آیه ۴۴ سوره نحل که پیش‌تر آمد، احتمال این که مشرکان به جهت آنکه مشرک هستند، مخاطب آیه باشند، پذیرفته نیست؛ بلکه مخاطب آیه را مشرکان به جهت آنکه جاهل هستند، تشکیل می‌دهد؛ آیت‌الله معرفت برای بیان نسبت میان ظهر و بطن از

۱. ر.ک: همان، ص ۱۹.

۲. محمد، آیه ۲۴.

۳. ر.ک: «تأویل به روایت معرفت»، ص ۱۹، خردنامه، ش ۳۲، ۱۳۸۸ ش.

۴. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۲؛ «تأویل به روایت معرفت»، ص ۲۰، خردنامه، ش ۳۲، ۱۳۸۸ ش.

۵. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۲.

۶. ر.ک: همان، ص ۳۳.

تعبیر صغری و کبری بهره‌گرفته است؛ به عقیده وی پیام و رسالتی که پس از الغای خصوصیت از مفهوم آیه روشن می‌شود باید به‌گونه‌ای باشد که نسبتش با ظاهر آیه، نسبت صغری به کبری باشد؛ در حقیقت معنای بطنی حکم یک کبرای کلی دارد که مورد ظاهر یکی از مصادیق آن است؛^۱ در صورتی که میان معنای ظاهری و باطنی تناسب و نسبت برقرار نباشد، علامه معرفت معنای به دست آمده را نادرست و در زمره تأویلات باطنیه و تفسیر به رأی می‌داند.^۲

۲. دیدگاه آیت‌الله معرفت در اعتبارسنجی روایات بطون

آیت‌الله معرفت پس از توضیح رابطه ظاهر و بطن، قانون و ضابطه تأویل صحیح را چنین برمی‌شمارد:

نخست آنکه در الغاء خصوصیات از برهان سبر و تقسیم بهره‌مند باشد و گرنه تفسیر به رأی خواهد بود؛

دوم آنکه در شناخت خصوصیات اثرگذار و پایدار آیه و خصوصیات بی‌تأثیر آیه بسیار دقت شود؛

سوم و از همه مهم‌تر آنکه معنای بطنی به مثابه کبرای کلی برای معنای ظهری آیه باشد.^۳

آیت‌الله معرفت تأویل صحیح را تمسک به فحوای عام آیه می‌داند؛ از این رو معتقد است معنای بطن در صورتی پذیرفتنی است که با سیاق و زبان عربی متناسب و هماهنگ باشد؛ افزون بر این معنای تأویلی و بطنی را می‌توان با شواهدی از قرآن، سنت و عقل سلیم تقویت و تأیید نمود.^۴

علامه معرفت برای روشن ساختن نظریه خود درباره بطن، برخی تأویلهای مأثور را بازگو و تحلیل کرده است؛ وی در «تفسیر اثری جامع» ابتدا پدیده وضع و دس را یادآوری نموده و از وجود برخی روایات جعلی در میراث حدیثی خبر داده است؛^۵ بر همین اساس آیت‌الله معرفت ارائه راهکاری را برای اعتبارسنجی روایات بطون ضروری می‌داند؛ سنجش رابطه میان معنای ظاهری و معنای باطنی، راهکار

۱. ر.ک: «تأویل به روایت معرفت»، ص ۲۱، خردنامه، ش ۳۲، ۱۳۸۸ ش.

۲. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۳۲.

۳. ر.ک: همان، ص ۳۴.

۴. ر.ک: همان، ص ۴۸.

۵. ر.ک: همان.

محتوایی وی را تشکیل می‌دهد؛ در هر موردی که عقل، توان کشف و فهم رابطه میان ظهرو بطن را داشته باشد، روایت بیانگر معنای بطنی پذیرفته می‌شود؛ و فرآیند اعتبارسنجی، برای دستیابی به رابطه یا درستی آزمایی آن از شواهد قرآنی و حدیثی نیز بهره‌گرفته می‌شود.

نکته قابل تأمل در دیدگاه آیت‌الله معرفت این است که وی معنای تأویلی یا همان بطن را از سنخ معنای التزامی کلام و ملازمه از نوع لزوم غیر بین را نیز ممکن دانسته است؛ در مواردی که ملازمه دلالت التزامی از نوع غیر بین است، تصور لازم و ملزوم در پدید آمدن یقین به ملازمه کفایت نمی‌کند و باید استدلال و تبیین به آن نیز افزوده شود؛ با وجود بهره‌گیری از استدلال و قرینه عقلی خارج از چارچوب لفظ، این نوع از دلالت التزامی همچنان جزء مدلول لفظی کلام به شمار می‌آید؛^۱ گفتنی است مدلول لفظی به مدلول منطوقی و مدلول مفهومی تقسیم می‌شود و مدلول التزامی با همه انواع خود مدلول مفهومی را تشکیل می‌دهد؛^۲ با این توضیح روشن است که آیت‌الله معرفت معنای بطنی صحیح را مدلول لفظی و مفهومی آیه می‌داند و در دستیابی به آن از برهان سبر و تقسیم-که شیوه‌ای عقلی است- بهره می‌گیرد؛ پافشاری علامه معرفت بر الغاء خصوصیت و پیمودن مراحل که پیش تر به آن اشاره شد، همگی برای تبیین و مستدل ساختن لزوم غیر بین است.

۳. تحلیل نمونه های بطن

تحلیل نمونه‌هایی که علامه معرفت برای تأویل مأثور آورده‌اند، نظریه وی را روشن تر خواهد ساخت و شیوه اعتبارسنجی روایات بطون را معلوم می‌کند.

۳.۱. تأویل «میزان»

نخستین نمونه بطن واژه «میزان» است؛ شیخ طوسی در آیات ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾^۳ تأویل

۱. ر.ک: همان، ص ۳۲، پاورقی.

۲. ر.ک: ارشاد العقول الی مباحث الاصول، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳. ر.ک: الرحمن، آیات ۷-۹.

واژه «میزان» به «عدل» را نقل نموده است؛ آیت الله معرفت این تأویل را بهره‌گیری از مفهوم عام «میزان» می‌داند؛ زیرا موازنه همان معادله (برقراری عدل) میان اشیا و امور است و محسوس و معقول را شامل می‌شود.^۱ سخن علامه طباطبایی به عنوان تاییدی برای نقل شیخ طوسی و تبیین مفهوم عام به کارگرفته شده است. علامه طباطبایی می‌نویسد:

المراد بالمیزان کلّ ما یوزن أی یقدّر به الشیء أعمّ من أن یكون عقیده أو قولاً أو فعلاً. قال تعالی: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۲، فظاهره مطلق ما یتمیز به الحقّ من الباطل والصدق من الكذب والعدل من الظلم والفضیلة من الرذیلة، علی ما هو شأن الرسول فیما یأتی به من عند ربّه.^۳

علامه طباطبایی میزان را هر چیزی می‌داند که معیار تشخیص حقّ از باطل، صدق از کذب، عدل از ظلم و فضیلت از پستی است؛ دو روایت نیز این مفهوم عام را تقویت می‌نماید؛ در این نمونه اشکالی به ذهن می‌رسد: هرچند شیخ طوسی، این گفته را با «قیل» بیان نموده و گوینده آن را مشخص ن ساخته،^۴ اما احتمال آن می‌رود که وی از روایت بهره برده و به این معنا دست یافته باشد؛ در پاسخ باید گفت: با مراجعه به تفاسیر دیگر می‌توان به گوینده این معنا دست یافت؛^۵ افزون بر این به نظرمی‌رسد آیت الله معرفت نیز کلام شیخ طوسی را برای تبیین ملازمه میان واژه «میزان» و «عدل» یادآور شده‌اند. در واقع کلام شیخ طوسی نشان‌گر این است که پذیرش معنای بطنی برخاسته از تعبّد محض نیست؛ بلکه می‌توان آن را مستدل ساخت و به رابطه میان ظهرو بطن دست یافت؛ برجسته ساختن همین نکته نیز نظریه آیت الله معرفت را به مقبولیت نزدیک تر می‌سازد.

نمونه دوم نیز تأویل «میزان» به «امام» است؛ «میزان» در برخی احادیث تفسیری به «امام» و در برخی به امیرمومنان علیه السلام تفسیر شده است؛ علامه معرفت این تأویل را صحیح دانسته و شواهد حدیثی آن را یادآور شده؛^۶ می‌نویسد:

۱. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۴۹.

۲. حدید، آیه ۲۵.

۳. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۹۷.

۴. ر.ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۶۵.

۵. ر.ک: البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱۰، ص ۵۶.

۶. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۴۹-۵۰.

و من ثمَّ كان تأويل الميزان بالإمام أمير المؤمنين عليه السلام، لكونه معياراً لتمييز الحق عن الباطل.^۱

سخن آیت الله معرفت در تبیین این تأویل، مشابه سخن علامه طباطبایی است که پیشتر آمد؛ براساس نظریه آیت الله معرفت در فرآیند تأویل «میزان» به «عدل» و «امام» الغاء خصوصیت رخ داده است؛ بدین ترتیب که مفهوم ظاهری میزان-ترازو- نادیده گرفته شده و مفهوم عامی همچون معیار تشخیص حق و باطل اراده شده است؛ زاویه جدیدی از نظریه آیت الله معرفت در اینجا روشن می شود؛ در نظریه آیت الله معرفت گفته شد که معنای بطنی حکم یک کبرای کلی را دارد و ظهر یکی از مصادیق آن است؛^۲ درحالی که در تأویل «میزان» چنین رابطه ای برقرار نیست؛ اگر واژه «میزان» در آیه، همان ترازوی متعارف باشد، چگونه از مصادیق «عدل» و «امام» خواهد بود؟! و اگر واژه «میزان» مطلق «ما یوزن به» معنا شود- همان گونه که علامه طباطبایی معنا نمود-، رابطه معکوس برقرار می شود و معنای بطنی از مصادیق ظهر خواهد بود!

به نظرمی رسد براساس نظریه آیت الله معرفت باید گفت ابتدا معنای عام «میزان» به دست آمده و سپس مصادیق این معنای عام به عنوان معنای بطنی بیان شده اند؛ بدین ترتیب در نظریه آیت الله معرفت معنای بطنی دوگونه است: گاهی معنای کلی و عام همان معنای بطنی است؛ نظیر قاعده رجوع جاهل به عالم که در آیه سوال گفته شد و گاهی مصادیق معنای کلی و عام، معنای بطنی را تشکیل می دهند؛ توجه به فلسفه و چرایی بطن در دیدگاه آیت الله معرفت این نکته را آشکارتر می سازد؛ همان گونه که گذشت آیت الله معرفت معتقد بود: اگر به ظاهر و تنزیل آیات اکتفا شود، قرآن کتاب تاریخ خواهد شد؛^۳ از این رو آیت الله معرفت معنای بطنی را ضامن جاودانگی قرآن می داند؛ زیرا مفاهیم کلی موجود در بطن همواره ساری و جاری خواهند بود؛ ایشان در تفسیر اثری جامع برخی از احادیث را در تبیین دیدگاه خود یادآور شده است؛ امام باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید:

و لو أن الآیة إذا نزلت فی قوم، ثمَّ مات أولئك القوم، ماتت الآیة، لما

۱. همان، ص ۵۰.

۲. ر.ک: «تأویل به روایت معرفت»، ص ۲۱، خردنامه، ش ۳۲، ۱۳۸۸ش.

۳. ر.ک: همان.

بقی من القرآن شیء و لكن القرآن یجری اوله علی آخره، ما دامت السماوات و الأرض. و لكل قوم آیه یتلونها، هم منها من خیر أو شر؛ اگر این سخن پذیرفته شود- که آیه ای درباره گروه خاصی نازل شده است و با مردن آن گروه آیه نیز می میرد-، هر آینه از قرآن چیزی باقی نمی ماند، اما تا زمانی که آسمان ها و زمین برقرارند، قرآن نیز در جریان خواهد بود و هر گروهی آیه ای دارد که آن را تلاوت می کند و آنان از مصادیق خوب یا بد آیه هستند.^۱

براین اساس جاودانگی قرآن به دلیل تطبیق معنای کلی بطنی بر مصادیق مختلف در طول زمان صورت می پذیرد؛ آیت الله معرفت در فراز «لما بقی من القرآن شیء»، توضیح «أی أصبح لا فائدة فیہ» را افزوده است؛^۲ مطابقت بطن با تأویل و فلسفه آن، به صراحت در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام بازگو شده است؛ فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام معنای حدیث نبوی «ما فی القرآن آیه إلا و لها ظهرو بطن، و ما فیہ حرف إلا و له حد و لكل حد مطلع» را بازجو می شود؛ حضرت در پاسخ می فرماید:

ظهره تنزیه، و بطنه تأویل، منه ما مضی و منه ما لم یکن بعد، یجری کما تجری الشمس و القمر. کما جاء منه شیء وقع؛ ظهر قرآن تنزیل و بطن آن تأویل است. برخی از تأویل های قرآن گذشته و برخی از آن هنوز نیامده است؛ قرآن همانند خورشید و ماه در جریان است؛ هرگاه تأویل آن فرارسد، به وقوع می پیوندد.^۳

همان گونه که پیداست در حدیث نبوی وجود بطن برای همه آیات قرآن با اسلوب حصر بیان شده است؛ علامه معرفت این حصر را حقیقی نمی داند؛ از نظریه التزام به این که هر آیه ای بطن داشته باشد، لازم نیست.^۴

۲، ۳. تأویل «ماء»

نمونه دیگری از بطن، تأویل واژه «ماء» در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ

۱. التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۷۰.

۲. رک: همان.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱.

۴. رک: «بطن و تأویل قرآن»، ص ۲۳۷-۲۳۸، کتاب نقد، ش ۳۵، ۱۳۸۴ ش.

يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ^۱ است؛ علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام درباره تأویل این آیه پرسش می‌نماید [۱] و حضرت در پاسخ می‌فرماید:

إذا فقدتم إمامكم فلم تروه فماذا تصنعون؛ هرگاه امام خویش را نیابید و او را نبینید چه خواهید کرد؟^۲

حضرت در این روایت تأویل فرورفتن آب در زمین (غورالماء) را غیبت امام (فقدان الامام) دانسته‌اند؛ در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز محتوایی مشابه نقل شده است:

ماؤکم: أبوابکم الأئمة، و الأئمة أبواب الله. فَهَن يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ أَي يَأْتِيكُمْ بِعِلْمِ الْإِمَامِ^۳ [۲]
 آیت الله معرفت پس از نقل این دو روایت می‌افزاید:

و قد كانت استعارة الماء المعين للعلم النافع، و لا سِيما المستند إلى الوحي، من نبيّ أو وصيّ نبيّ، أمرا معروفا. فكما أنّ الماء أصل الحياة المادّية و الموجب لإمكان المعيشة بسلام، كذلك العلم النافع و علم الشريعة بالذات هو الأساس لإمكان الحياة المعنوية في سعادة و هناء. يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ و لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ فهنا قد لوحظ الماء- باعتباره منشأ الحياة- في مفهومه العامّ الشامل للعلم، ليعمّ الحياة المادّية و المعنوية معا؛ کاربرد استعاره ای «ماء معین» در «علم نافع» به ویژه در علوم مستند به انبیاء و اوصیاء امری شایع و متداول است؛ همان‌گونه که آب اساس حیات مادی و زمینه‌ساز سالم زیستن است، علم نافع و علم دین نیز زمینه‌ساز حیات معنوی و سعادتمندانه و لذت‌بخش است؛ خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد؛^۴ در اینجا آب - به اعتبار آنکه منشأ حیات است - مفهومی عام یافته که علم را نیز در بر می‌گیرد؛ از این رو دو گونه حیات - حیات مادی و حیات

۱. ملک، آیه ۳۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۶.

۴. انفال، آیه ۲۴.

معنوی - را با هم شامل می‌گردد.^۱

سخن آیت الله معرفت در آیه بالا کمی آشفته به نظر می‌رسد؛ زیرا در آیه سی سوره ملک کلمه «ماء» دوبار به کار رفته است و می‌توان گفت دو تأویل نیز دیده می‌شود؛ در حدیث نخست معنای بطنی «غور الماء»، «فقدان الامام» یا «غیبه الامام» است و در حدیث دوم معنای بطنی «ماء معین»، «علم الامام» است؛ افزون بر این که تعبیر «امام جدید»، «امام ظاهر» و «امام مثله» نیز در تأویل «ماء معین» نقل شده است؛^۲ آنچه در نگاه نخست به ذهن می‌رسد این است که بنابر حدیث نخست، امام تأویل ماء است و غیبت امام نیز تأویل فرورفتن و ناپدیدگشتن آب است؛ حال آنکه در حدیث دوم علم امام، تأویل ماء معین خوانده شده است؛ اگر از احتمال ادراج جمله «أی یأتیکم بعلم الإمام» یا «یعنی بعلم الإمام»^۳ در حدیث دوم چشم پوشی شود، باید رابطه دو تأویل - امام و علم امام - تبیین شود؛ برای تبیین این رابطه لازم است به معنای «ماء معین» نیز توجه شود؛ شیخ طوسی در معنای آن می‌نویسد:

الماء المعین الذی تراه العیون. و قال قتادة والضحاك: هو الجاری؛ ماء معین به معنای آبی است که چشمان آن را می‌بینند [و ظاهر است]، قتاده و ضحاک گفته‌اند: ماء معین همان آب جاری است.^۴

معنای بالا با تعبیر «امام ظاهر» و «امام جدید» سازگارتر است؛ در نتیجه می‌توان تأویل در هر دو حدیث را یکسان و معنای بطنی ماء را امام دانست؛ از سوی دیگر در حدیثی از امام باقر علیه السلام چنین فرموده‌اند:

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ حَرَامِهِ

در این حدیث صفت «يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ...» به جنبه علم امام اشاره دارد؛ در واقع غیبت امام، محرومیت از علم الهی را به دنبال دارد و جایگاه امامت نیز به دلیل همین علم الهی است؛ به بیان روشن‌تر نمی‌توان میان امام و علم او جدایی افکند؛ از این رو تأویل ماء معین به علم امام نیز صحیح است؛ به نظر می‌رسد آیت الله معرفت به دلیل همین نکته، تأویل اصلی را علم امام دانسته است؛ می‌توان گفت

۱. التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.

۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۶؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۲.

در حدیث نخست نیز خطاب پرسشی «فماذا تصنعون» ناظر به علم امام است؛ یعنی اگر امام غایب شود شما در امور دینی چه کار خواهید کرد و به چه کسی مراجعه می‌کنید؟ اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام را چه کسی به شما اطلاع خواهد داد؟ شاید همین نکته سبب شده است که آیت الله معرفت تنها رابطهٔ ماء معین و علم نافع را تبیین و از تعابیر حدیثی دیگر نیز صرف نظر نماید؛ در واقع آب، مایهٔ حیات است و حیات بخشی امام نیز برخاسته از علم الهی اوست.

شیوه استرآبادی در تایید و تقویت معنای بطنی نیز شایسته توجه است؛ وی می نویسد:

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ يَعْنِي بِإِمَامٍ جَدِيدٍ غَيْرِهِ وَإِنَّمَا كُنِيَ بِهِ عَنِ الْمَاءِ عَلَى سَبِيلِ الْمَجَازِ وَجَاءَ فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ يَا مَنْ هُوَ كَالْمَاءِ الْعَذْبِ عَلَى الظَّمَاءِ وَكَقَوْلِهِ تَعَالَى وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ وَالْأُمَّةُ يَحْيِي بِهِمْ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ أَجْلَهُمْ خَلَقَ اللَّهُ كُلَّ شَيْءٍ كَمَا جَاءَ فِي الدُّعَاءِ سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَمَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَكُلِّ حِينٍ^۱.

شیوهٔ وی مطابقت کامل با شرایطی دارد که علامه معرفت در اعتبارسنجی روایات بطون لازم می‌داند؛ وی رابطهٔ آب و امام را تبیین نموده و با شواهد قرآنی و حدیثی تناسب معنای تأویلی و تنزیلی را مستحکم ساخته است.

۳،۳. تأویل «طعام»

نمونه پایانی بطن، تأویل «طعام» به «علم» است؛ زید شحام از امام باقر (ع) درباره آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾^۲ پرسش نموده است: طعام انسان چیست (که باید به آن بنگرد)؟ حضرت در پاسخ فرموده‌اند: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ؛ علمی که فرا می‌گیرد، بنگرد از چه کسی فرا می‌گیرد؟»^۳.

در این حدیث علم به عنوان معنای بطنی طعام بیان شده است؛ آیت الله معرفت در این نمونه، تنها به توضیح کوتاهی دربارهٔ تناسب میان معنای تنزیلی

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۸۴.

۲. عبس، آیه ۲۴.

۳. الکافی، ج ۱، آیه ۴۹-۵۰.

و تأویلی بسنده نموده است؛ به عقیده وی تناسب این دو معنا آشکار است؛ زیرا علم غذای روح است و در فراگیری علم به ویژه علوم دینی باید به منابع معتبر و اصیل مراجعه کرد.^۱

به نظر می‌رسد آیت‌الله معرفت در این تأویل به دلیل روشنی تناسب، نیازی به شواهد قرآنی و حدیثی احساس نکرده است؛ گفتنی است برخی مفسران تناسب معنای بطنی با آیات بعد را تبیین نموده‌اند؛^۲ شارحان حدیث نیز تناسب معنای تأویلی و تنزیلی را به کمک شواهد قرآنی مستدل ساخته‌اند.^۳

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل نمونه‌های بطن در تفسیر اثری جامع نشان داد، آیت‌الله معرفت در اعتبارسنجی روایات بیانگر معنای بطنی از راهکاری محتوایی بهره می‌گیرد؛ راهکار وی بر پایه کشف تناسب میان معنای تنزیلی و تأویلی - بطنی بنا نهاده شده است؛ اگر تناسب پس از الغاء خصوصیات به وسیله برهان سبر و تقسیم روشن شد و معنای بطنی به مثابه کبرای کلی برای معنای ظهری آیه گشت، می‌توان روایت بیانگر معنای بطنی را پذیرفت؛ آیت‌الله معرفت برای اثبات درستی معنای بطنی از شواهد قرآنی، حدیثی و عقلی نیز کمک می‌گیرد؛ این شیوه، در میان مفسران و حدیث‌پژوهان پیشین نیز دیده می‌شود؛ نپرداختن علامه معرفت به نقد سندی در اعتبارسنجی روایات بطون به معنای نادیده‌گرفتن نقد سندی نیست؛ بلکه تنها نشانگر محوریت بخشی به نقد محتوایی و گردآوری شواهد است.

یادداشت‌ها:

[۱] در اینجا متن و پاورقی تفسیر اثری جامع (ج ۱، ص ۵۱) به اشتباه تنظیم شده است؛ روایت متن از امام کاظم علیه السلام و در کمال‌الدین جلد ۲، ص ۳۶۰، ح ۳ آمده است. روایت دیگری از امام باقر علیه السلام در همان کتاب ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶ نقل شده است که متن روایت چنین است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ فَقَالَ هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا

۱. ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، ص ۵۲.

۲. ر.ک: تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۸۷.

۳. ر.ک: شرح أصول الکافی (ملاصدرا)، ج ۲، ص ۲۵۶؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱، ص ۱۶۷.

عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَ
 الْأَرْضِ وَحَلَالِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَحَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ ع وَاللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ
 الْآيَةِ وَلَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا.

[۲] منبع حدیث در تفسیر اثری جامع، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۰۸ ح ۱۴ ثبت
 شده است حال آنکه در منبع یادشده دو روایت بدین ترتیب آمده است:

على ما رواه الشيخ المفيد قدس الله روحه عن رجاله بإسناده عن معاوية
 البجلي عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال قلت له ما تأويل
 هذه الآية قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ فقال
 تأويله إن فقدتم إمامكم فمن يأتيكم بإمام جديد. ويؤيده ما رواه محمد
 بن العباس رحمه الله عن أحمد بن القاسم عن أحمد بن محمد بن يسار
 عن محمد بن خالد عن النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن أبي عبد
 الله عليه السلام في قول الله عز وجل قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ
 يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ قال إن غاب إمامكم فمن يأتيكم بإمام جديد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ارشاد العقول الی مباحث الاصول، جعفر سبحانی تبریزی، تقریرات محمد حسین حاج عاملی، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۳. البحر المحيط فی التفسیر، ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۴. «بررسی نظریه ی بطون از نگاه آیت الله معرفت»، ابراهیم کلانتری، چاپ شده در معرفت قرآنی یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت رحمته الله علیه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۸۷ش.
۵. «بطن و تأویل قرآن»، حسین علوی مهر و دیگران، کتاب نقد، شماره ۳۵، ۱۳۸۴ش.
۶. «تاویل به روایت معرفت»، محمد هادی معرفت، خردنامه، شماره ۳۲، ۱۳۸۸ش.
۷. تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۸. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. التفسیر الأثری الجامع، محمد هادی معرفت، قم: موسسه التمهید، ۱۳۸۷ش.
۱۰. تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران:، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۱۲. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، مصحح: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۳. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۴. شرح أصول الکافی، محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی (ملا صدرا)، مصحح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،

۱۳۸۳ ش.

۵۱. «طرح و بررسی بطن از دیدگاه آیت الله معرفت»، سعیده غروی، مجله بینات، سال هیجدهم، شماره ۷۱.
۱۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۸. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.